



جنگ و میراث فرهنگی و باستانی ملل؛ مطالعه موردی جنگ غزه

علی دارابی^۱

۳۴

چکیده

جنگ تأثیرات مخربی بر میراث فرهنگی و باستانی ملت‌ها دارد و می‌تواند منجر به تخریب و نابودی آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی شود. این خسارات نه تنها هویت و تاریخ یک ملت را از بین می‌برند، بلکه هویت و حافظه جمعی بشریت را نیز مخدوش می‌کنند. یکی از جنبه‌های وحشتناک و مخرب جنگ، نابودی آثار و اشیاء ارزشمند باستانی و تاریخی است که هر یک می‌توانند بازگوکننده بخشی از تمدن و فرهنگ بشریت باشند و متأسفانه به هیچ‌عنوان خسارات وارد شده به آن‌ها قابل بازگشت نبوده و بسیاری از این آثار طی جنگ‌های مختلف در سراسر دنیا برای همیشه از بین رفته‌اند. البته این موضوع، پدیده جدیدی نیست و بشر از روزگار کهن شاهد تخریب آثار و بقایای ارزشمند تاریخی اجداد خود در جنگ‌های عمدتاً بی‌حاصل بوده است. نوشتار توصیفی تحلیلی حاضر تلاش دارد در پاسخ به چرایی و چگونگی نابودی میراث فرهنگی و باستانی سرزمین فلسطین خاصه غزه توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل نشان دهد که هدف این رژیم از تخریب آثار فرهنگی و باستانی این منطقه محو هدفمند و سیستماتیک هویت فلسطینی و پاکسازی فرهنگی مبتنی بر ایدئولوژی صهیونیسم از یک سو و غارتگری برای تجارت آثار به از بازارهای جهانی از سوی دیگر بوده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ، میراث فرهنگی و باستانی، فلسطین، جنگ غزه، یونسکو

دوره ۹، شماره ۳، پیاپی ۳۴

پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۹/۲۶

صص: ۲۲۷-۲۴۶

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. مقدمه

آثار تاریخی و فرهنگی یک جامعه نه تنها شاهکارهای هنری و معماری محسوب می شوند، بلکه نمایانگر هویت و هویت ملی آن جامعه نیز می باشند. با این حال، تاریخ نشان داده است که در دوران جنگ ها، این اماکن معمولاً از بین می روند، چه به دلیل بمباران ها و چه به دست عوامل غیرنظامی و هر بار که یک موزه یا مکان تاریخی غارت و یا تخریب می شود، به داستان و زندگی نسل های گذشته ضربه می زند و مانند پرده ای که از آینه حذف شده، بخشی از هویت و تاریخ یک ملت ناپدید می شود.

براساس قوانین و کنوانسیون های بین المللی، فلسطین و غزه به عنوان سرزمین های اشغالی شناخته شده اند و رژیم صهیونیستی باید به عنوان یک قدرت اشغالگر از مفاد قوانین جهانی که تعهد به حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی را تصریح می کند، به ویژه از اجرای بند ۴ ماده ۲۷ ضمیمه چهارم مقررات لاهه در سال ۱۹۰۷ در جلوگیری از آسیب رساندن به عبادتگاه ها و سایر ساختمان هایی که مؤسسات هنری، علمی یا خیریه یا آثار باستانی تاریخی توسط نیروهای مسلح؛ اجرای قرارداد ۱۹۳۵ واشنگتن در رابطه با حفاظت از بناهای تاریخی و مراکز علمی و هنری در شرایط جنگی؛ اجرای کنوانسیون های ۱۹۴۸ در مورد پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی؛ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و ضمائم آن؛ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی در صورت درگیری مسلحانه؛ توصیه نامه ۱۹۵۶ یونسکو در مورد اصول بین المللی قابل اجرا در کاوش های باستان شناسی، غیرقانونی بودن قاچاق اموال فرهنگی و آثار باستانی براساس کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو و ماده ۸ اساسنامه ۱۹۹۸ دادگاه کیفری بین المللی مبنی بر مسئولیت کیفری افراد در قبال سرقت و تخریب آثار باستانی پیروی کند. البته قوانین و کنوانسیون های بین المللی اگرچه بارها شرایط جهان بدون حساب و کتاب جنگ افروزان را در مواجهه با خطرات پیرامون مواریث بشری، مراکز فرهنگی و ابنیه های درخطر را مورد ارزیابی قرار داده اند و برای مراقبت و مصون ماندن مواریث فرهنگی، قوانینی نیز مصوب کرده اند، اما مشکل بزرگ درست جایی است که در جنگ نه مرزهای انسانی و اخلاقی مراعات می شود و نه مراکز فرهنگی به چشم می آیند. چنانکه جنگ افروزان اسرائیلی بدون در نظر گرفتن هرگونه قاعده و قانونی، مراکز فرهنگی و مواریث واجد ارزش بشری فلسطینیان را به میدان تاخت و تاز خود تبدیل کرده و به هیچ قاعده و قراردادی پایبند

نیستند. با این حال برای نگاهداری از این آثار فرهنگی و یا تاریخی برخی پروتکل ها نوشته شده، اما اینکه چه کسانی باید به این قوانین احترام بگذارند در جای خود قابل بررسی است. در این راستا مسأله اصلی نوشتار حاضر که با بهره گیری از روش توصیفی و تحلیلی و ابزارهای همچون کتب، مقالات، گزارش های خبری و تحلیلی به رشته تحریر در آمده است تبیین و شناخت چرایی و چگونگی و نیز پیامدهای غارت، تخریب و نابودی میراث فرهنگی و باستانی سرزمین فلسطین خاصه غزه توسط رژیم صهیونیستی است.

۲. پیشینه پژوهش

بطور مشخص در زبان فارسی اثری علمی - پژوهشی اعم از کتاب، مقاله و یا گزارش تحلیلی که به مسأله غارت و یا تخریب میراث فرهنگی و باستانی فلسطین و خاصه غزه توسط رژیم اسرائیل پرداخته باشد وجود ندارد و در زبان های عربی و انگلیسی نیز عمده آثاری هم که وجود دارد بیشتر گزارش های تحلیلی است که توسط خبرنگاران و یا مسئولان میراث فرهنگی فلسطینی تهیه و تنظیم شده است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

حمدان طاهرا (۲۰۲۴) باستان شناس فلسطینی در مقاله «تخریب میراث فرهنگی در غزه» ارزیابی اولیه ای از تخریب اماکن فرهنگی غزه در طول جنگ تا اوایل سال ۲۰۲۴ ارائه می دهد، اقدامات آتی را برای ارزیابی جامع خسارات توصیه می کند و سازوکارهایی را برای پیگیری قانونی و چارچوبی برای طرح ها و برنامه های بازیابی و بازسازی پیشنهاد می دهد. صلاح حسین الحدولیه (۲۰۲۴)، رئیس گروه باستان شناسی و مؤسسه باستان شناسی دانشگاه القدس در نوشتار تحلیلی خود با عنوان «شکست نظم بین المللی در حفاظت از میراث فرهنگی فلسطین» نشان می دهد در حالی که نیروهای اسرائیلی اماکن و بناهای تاریخی در غزه را نابود می کنند، سازمان های بین المللی مسئول حفاظت از میراث فرهنگی باید مداخله کنند، اما این کار را نکرده اند. نکوا تاستان (۲۰۲۴) در گزارش تحلیلی خود با عنوان «حذف تاریخ؛ نسل کشی فرهنگی» نشان می دهد که چگونه اسرائیل گنجینه های باستانی غزه را نابود می کند و دیگر اینکه تخریب این میراث و اماکن باستانی نه تنها پیامدهایی در آینده برای غزه، بلکه برای تمامی جامعه علمی و میراث جهانی دارد. در میان نویسندگان ایرانی، سلطان قیس و رضوی (۱۴۰۳) در اثر تحلیلی خود با عنوان «نسل کشی انسانی و

فرهنگی در فلسطین اشغالی» در کنار پرداختن به مقوله نقض حقوق بشر اسرای فلسطینی به بررسی تخریب آثار تاریخی فلسطین از منظر حقوقی توجه ویژه ای دارند. فکر آزاد و معتمد (۱۳۹۵) نیز در مقاله «پیامدهای جنگ و تروریسم برای میراث فرهنگی خاورمیانه» بر این عقیده اند که تخریب میراث میراث فرهنگی خاورمیانه، گاه هدفمند و گاه پیامد حملات مسلحانه بوده و سه هدف عمده دنبال می کند؛ تخریب و غارتگری برای تجارت آثار به بازارهای جهانی، تخریب با نگاه پاکسازی فرهنگی و تخریب با هدف تبدیل کاربری ابنیه به کاربرد نظامی. این مقاله ضمن مرور هر محور و تبعات آن برای سرزمین های قربانی جنگ، با نگاهی به رشد بیداری و چاره اندیشی های جامعه ی بین الملل، به ارایه راهکار برای برون رفت از این بحران می پردازد. حق سرشت و آرش پور (۱۳۹۸) نیز در مقاله «فلسطین، یونسکو و صیانت از میراث فرهنگی در برابر نابودی از منظر حقوق بین الملل» با اذعان به نابودی اماکن و اموال فرهنگی منحصربه فرد موجود در سرزمین فلسطین در امتداد سیاست های یهودی سازی اسرائیل، تلاش دارند تا با توجه به منازعات و اقدامات تروریستی رخ داده در فلسطین علیه اموال و میراث فرهنگی و اقدامات عامدانه و خارج از ضرورت نظامی اسرائیل در تخریب این میراث، نقش سازمان یونسکو و قوانین بین المللی را در جلوگیری یا کاهش آثار مخرب این اقدامات بررسی نمایند.

۳. چارچوب نظری و مفهومی

در حالی که جنگ ها و درگیری های مسلحانه، همواره جان انسان ها و زیرساخت های شهری را تهدید کرده اند، یکی از قربانیان خاموش این بحران ها، آثار تاریخی و میراث فرهنگی و باستانی است؛ گنجینه هایی که هویت ملت ها را شکل می دهند و پیوندی ناگسستنی میان گذشته و حال برقرار می کنند. این میراث از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و شامل فرهنگ مادی مانند آثار هنری و ساختمان ها و چیزهای ناملموس مانند سنت ها و شیوه های زندگی است (Willis, 2014: 145). در بسیاری از جنگ ها بناها و مکان های تاریخی آسیب دیده و از بین می روند و آثار باستانی تاریخی غارت می شوند. تفکر نظامی به چیز دیگری غیر از پیروزی در جنگ اهمیتی نمی دهد. آنچه که به لحاظ تاریخی بشر تجربه کرده است بیانگر آنستکه جنگ ها نه تنها باعث نابودی بناهای باستانی و اشیای ارزشمند شده اند، بلکه گاه به غارت و قاچاق آثار فرهنگی نیز انجامیده اند. از

تخریب معابد باستانی در سوریه و عراق گرفته تا آسیب دیدن موزه‌ها و اماکن تاریخی در افغانستان، کراوسی و بوسنی (یوگسلاوی سابق) و اوکراین، همگی نمونه‌هایی تلخ از صدماتی هستند که جنگ بر فرهنگ و تاریخ یک ملت وارد می‌کند.

سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو، و نیز گروه‌های فرهنگی و دانشگاهی بسیاری برای محافظت از میراث فرهنگی طی درگیری‌های مسلحانه تلاش می‌کنند، اما اکثر تلاش‌های آنان برای کارگزاران جنگ بی‌معناست. باید دانسته شود که «حفاظت از دارایی فرهنگی» تنها در صورتی موثر خواهد بود که نظامیان و سیاستمداران جنگ طلب آن را جدی بگیرند.

از زمانی که سون تزو استراتژیست نظامی باستانی چینی در قرن ششم قبل از میلاد در چین «هنر جنگ» را نوشت، صاحب‌نظران امور دفاعی و نظامی بر این نظرند که از بین بردن میراث فرهنگی توسط دشمن یک عمل نظامی نابخشودنی است و نخستین دلیل برای جنگ بعدی خواهد بود و حکومت بر قشر متضرر سخت خواهد شد (تزو، ۱۴۰۴). از طرف دیگر، حمایت از میراث فرهنگی جمعیتی که تسخیر شدند، بیانگر احترام به آنان است و اداره کشور را راحت‌تر می‌کند. این چیزی است که سربازان مدرن اغلب از آن به‌عنوان «نیروی تقویت‌کننده» یاد می‌کنند.

شاید جای تعجب باشد که حفاظت از دارایی‌های فرهنگی سابقه طولانی‌مدت در قوانین نظامی دارد و نخستین طرح آن برای ارتش انگلیس، دستورالعمل‌های دورهام شامل بیست و شش بند در سال ۱۳۸۵ میلادی، برای حمله ریچارد دوم به اسکاتلند تهیه شد (Keen, 1995: 33).

در عصر جدید و همزمان با پیدایش حقوق بین‌الملل مدرن، در سال ۱۸۶۳ و به‌هنگام تدوین کد یا قواعد لیبر^۳ که به‌عنوان اولین تلاش‌ها برای وضع مجموعه جامع اصول حاکم بر رفتار متخاصمان در قلمرو سرزمینی دشمن شناخته می‌شود، در مواد ۳۴ تا ۳۵ آن تصریح شد که اموال متعلق به کلیسا، تاسیسات آموزشی و موزه‌ها باید در حکم اموال عمومی تلقی شوند. آثار کلاسیک هنری، کتابخانه‌ها، مجموعه‌های علمی و اسناد ارزشمند باید در مقابل خسارات و صدمات حمایت شوند (قاسمی و باقرزاده، ۱۳۹۲: ۱۱).

- 1 . Cultural Property Protection (CPP)
- 2 . Sun Tzo
- 3 . Lieber Code

اعلامیه بین‌المللی بروکسل در سال ۱۸۷۴ که پس از «کد» یا «قواعد لیبر» به منصفه ظهور رسید نیز به تکرار موارد مشابه قواعد لیبر پرداخته و در ماده ۸ خود متذکر شد که، اموال متعلق به موسسات خاص هنری و علمی، تربیتی و مذهبی باید همانند اموال خصوصی با آن‌ها رفتار شود و مصادره، تخریب و خسارت عمدی آن‌ها موجب تعقیب مرتکب خواهد شد (Broker, 1974: 616-620). دستورالعمل لندن در سال ۱۸۸۹ نیز در مجازات جرایم مرتکبین جرایم علیه اموال فرهنگی یک گام به جلوتر رفت (نژندی منش و الیاسی، ۱۳۹۵: ۴۹).

در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ میلادی، دو کنوانسیون بین‌المللی در مورد جنگ و تبعات آن در شهر لاهه تدوین و امضا شد. این کنوانسیون‌ها به‌طور مستقیم حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ را مورد اشاره قرار دادند. در ماده ۵۶ مشترک این کنوانسیون‌ها، اعضاء متعهدند تا اقداماتی به عمل آورند که از ساختمان‌های خاص هنری، علمی، مذهبی و غیره به شرط آنکه این مکان‌ها همزمان برای اهداف نظامی بکار نروند، محافظت شود. تخریب و مصادره اموال دشمن که شامل اموال فرهنگی نیز می‌شود در صورت اقتضای ضرورت جنگی به‌طور استثنایی مجاز شمرده شده است (نژندی منش و الیاسی، ۱۳۹۵: ۴۹). در سال ۱۹۰۷ میلادی کنوانسیون اصول و مقررات جنگ و کنوانسیون بمباران آثار تاریخی و فرهنگی در زمان جنگ، صراحتاً به خودداری از تهاجم علیه آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی اشاره کرده و آن را مورد حکم قرار داده است. مصادره و تخریب یا خسارت عمدی به اشیای منقول هنری و علمی و موسسات و بناهای تاریخی ممنوع است (خسروی و سلطان قیس، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

اصول مذکور با تغییراتی که ناشی از اندیشه حفاظت از فرهنگ و میراث فرهنگی زمان خود بود، در فاصله سال‌های ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ میلادی در کنوانسیون مربوط به جنگ هوایی تکرار شدند. همچنین کنوانسیون حمایت از تأسیسات فرهنگی مصوب ۱۹۳۵ موسوم به پیمان روآریخ در اتحادیه پان‌آمریکن که بعدها به سازمان دولت‌های آمریکایی تغییرنام داد، به عنوان اولین پیمانی که به حفاظت از اموال فرهنگی اختصاص داشت. به موجب ماده یک این پیمان «آثار تاریخی، موزه‌ها، نهادهای علمی، هنری، آموزشی و فرهنگی باید بیطرف قلمداد شوند و در مخاصمات باید حمایت گردند» (خسروی و سلطان قیس، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

طی جنگ جهانی دوم، کشورهای درگیر جنگ مکان‌های مهم فرهنگی در اروپا و آسیا را نابود کردند. در سال ۱۹۴۲، نازی‌ها «خانه اپرای سلطنتی» در والتای مالت را با خاک یکسان کردند (Bonnici & Cassar, 1990: 79). در سال ۱۹۴۵ نیز ایالات متحده با اولین بمب اتمی در هیروشیما ژاپن «تالار ترویج صنعتی» را از بین برد. در حالی که ممکن است این مکان‌ها هدف حمله نبوندند، اما موجب شد کنوانسیون لاهه در واکنش به این اقدامات طرحی برای حفاظت از املاک فرهنگی در سال ۱۹۵۴ در صورت درگیری مسلحانه ارائه کند.

کنوانسیون‌های ژنو در تاریخ ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ میلادی و پروتکل‌های الحاقی به این کنوانسیون که مجموعاً به‌عنوان کنوانسیون ژنو نامیده می‌شوند، اصول مندرج در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹، ۱۹۰۷ و ۱۹۲۲ را به‌صورت کامل تری پیش‌بینی کرده‌اند.

بر این اساس، ماده ۵۳ از پروتکل ۱ و ماده ۱۶ از پروتکل ۲ کنوانسیون ژنو موارد زیر را ممنوع اعلام کرده است:

- اعمال هرگونه عمل خصمانه علیه آثار تاریخی، هنری، فرهنگی و اماکن مذهبی که جزء میراث فرهنگی و معنوی تلقی می‌شوند، ممنوع است.

- بهره‌برداری از آثار فرهنگی هنری و اماکن مذهبی در جهت اهداف نظامی ممنوع است.

- اقدامات تلافی‌جویانه و انتقامی علیه این قبیل آثار در سطح بین‌المللی ممنوع می‌شوند.

البته این پروتکل و کنوانسیون ژنو را نمی‌توان تنها قانون بین‌المللی در زمینه حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی محسوب کرد و پیمان‌ها و کنوانسیون‌های مختلفی در این زمینه در طول قرن بیستم در بین کشورهای مختلف جهان به تصویب رسیده است که از آن جمله می‌توان به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل الحاقی آن به‌عنوان مهم‌ترین، جامع‌ترین و معتبرترین سند بین‌المللی ناظر به حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ و صلح اشاره کرد. این کنوانسیون در فاصله ۲۱ آوریل تا ۱۴ می ۱۹۵۴ میلادی در کنفرانسی که از طرف یونسکو و به دعوت دولت هلند در شهر لاهه تشکیل شده بود، تنظیم شد. این کنوانسیون بر اساس پیش‌نویسی که از سوی یونسکو و بر اساس تجارب و عملکرد کنوانسیون‌ها و معاهدات سابق تنظیم شده بود، تدوین و تصویب شد. این کنوانسیون شامل معاهده اصلی، آیین‌نامه اجرایی، یک پروتکل به همین نام و ۳ قطعنامه است که مجموع اصول و قواعدی را برای وصول به اهداف این کنوانسیون مدنظر قرار داده است.

کنوانسیون لاهه به‌طورکلی شامل دو نوع مقررات متفاوت است. مقرراتی که در زمان صلح معتبر بوده و ضروری است که از سوی دولت‌ها رعایت شود و مقرراتی که در زمان جنگ لازم‌الاجرا است. باین‌وجود، کاربرد اصلی کنوانسیون مربوط به زمانی است که اعلام جنگ شده یا برخوردی مسلحانه بین دو یا چند طرف واقع می‌شود.

طبق ماده ۱۸ از کنوانسیون شرایط جنگی، این قوانین در هنگام وقوع برخورد مسلحانه برای کلیه طرفین درگیر لازم‌الاجرا خواهد بود. ماده ۱۹ از این قرارداد در مقام بیان مقررات ناظر به جنگ‌هایی که جنبه بین‌المللی نداشته و در سرزمین یکی از طرفین قرارداد، واقع شده و طرفین درگیر را مکلف به رعایت مقررات می‌داند.

معاهدات بین‌المللی برای تمامی دولت‌های متعهد به آن‌ها لازم‌الاجراست و اصول کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه نیز عموماً ناظر به موارد قابل پیش‌بینی در جنگ بین دو یا چند کشور و تعهد کشورها نسبت به هم را موردنظر قرار داده است.

نکته دیگری که از تمایزات ارائه‌شده در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه است، شمول تعریف اموال فرهنگی به ساختمان‌ها، مراکز و پناهگاه‌های محل نگهداری اموال فرهنگی است. برحسب مفاد ماده یک موارد ذیل از نظر کنوانسیون لاهه جزء میراث فرهنگی کشورها محسوب می‌شوند: آثار معماری، هنری، تاریخی، مذهبی یا غیرمذهبی، کاوش‌های باستان‌شناسی، مجموعه بناهای ارزشمند تاریخی، هنری، آثار هنری نسخ خطی، کتب و سایر اشیا دارای ارزش هنری، تاریخی یا باستان‌شناسی، مجموعه‌های علمی، مجموعه‌های کتب، بایگانی‌ها، نسخ تکثیرشده از اموال مذکور، ساختمان‌های مخصوص حفاظت و نمایش اموال فرهنگی منقول از قبیل موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و مدارک و پناهگاه‌های حفاظت از اموال فرهنگی، مراکز حاوی مقادیر زیادی از اموال فرهنگی شامل این موارد هستند.

بر اساس بند ۱ ماده ۱۹ این کنوانسیون در صورت وقوع جنگ همه طرف‌های درگیر اعم از نیروهای دولتی و سایر طرف‌ها موظف به رعایت کامل مفاد این کنوانسیون هستند. همچنین مطابق این کنوانسیون تعیین و علامت گذاری اموال فرهنگی و تأمین امنیت آنها در خلال مخاصمات مسلحانه بین المللی و در مواقع اشغال باید لحاظ گردد (صمدی، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

هرچند کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه که به حمایت از میراث فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه می پردازد، به عنوان نخستین معاهده بین المللی درخصوص حمایت از میراث فرهنگی، فلسفه وجودی خود را ناشی از آثار مخرب جنگ ها بر این میراث اعلام می کند که با پیشرفت فناوریهای جنگ، نابودی این میراث در مرحله بحرانی تری در مقایسه با گذشته قرار می گیرد و لطمه به میراث فرهنگی هر مردمی به منزله صدمه به میراث فرهنگی نوع بشر است، اما گامهای دیگری نیز در چارچوب حقوق بین الملل برای حمایت از میراث فرهنگی برداشته شده است. می توان به توصیه نامه مورخ ۱۹۵۶ یونسکو در مورد کاوش های باستان شناسی، زیبایی منظره ها (۱۹۶۲) و حفاظت از اموال فرهنگی در معرض خطر به واسطه کارهای دولتی (۱۹۶۸) اشاره کرد. سند الزام آور حقوقی دیگر، کنوانسیون حمایت از فرهنگ جهانی و میراث طبیعی مورخ ۱۹۷۲ است (وکیل و قشلاق نیگجه، ۱۴۰۰: ۱۲۱).

جامعه بین الملل در سال ۱۹۷۷ با الحاق پروتکل های دیگری به کنوانسیون های ژنو در سال ۱۹۴۹ این حمایت ها را تقویت کرد. بخشی از این پروتکل الحاقی به کنوانسیون اختصاص به ممانعت از خروج اموال فرهنگی از سرزمین های اشغالی دارد که تعهد مذکور برعهده دولت اشغال گر گذاشته شده است. همچنین در ماده ۵۳ این پروتکل ها «هرگونه خصومت علیه آثار تاریخی، آثار هنری یا اماکن عبادی که میراث فرهنگی یا معنوی کشورها را تشکیل می دهند»، منع شده است. حفاظت از دارایی فرهنگی هم چنین بخشی جدایی ناپذیر از پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ در کنوانسیون های ژنو و اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ و قطعنامه ۲۳۴۷ شورای امنیت سازمان ملل است. حفاظت از دارایی فرهنگی به طور فزاینده ای به عنوان قوانین بین المللی معمول شناخته می شود و مختص یک کشور خاص نیست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۳۷). پروتکل دوم کنوانسیون لاهه در این مورد نیز در سال ۱۹۹۹ تهیه شده است. طبق پروتکل دوم کنوانسیون نیز یک نظام حمایت عالی از اموال فرهنگی در نظر گرفته شده است که تحت عنوان «حمایت عالی یا فزاینده» از آن یاد شده است که در مواد ۱۰ تا ۱۴ پروتکل دوم (۱۹۹۹) به قواعد و آثار آن اشاره شده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۳۷).

طبق این موافقت نامه های بین المللی هدف قرار دادن اماکن فرهنگی جرم جنگی است. اما این بدان معنا نیست که گروه های نظامی دست از تخریب کشیدند. چنانکه از چند دهه گذشته تا به

1. CPP: Culture Protection Professional

امروز، اقدامات تروریستی و جنگی به‌طور خاص با هدف میراث، به اماکن فرهنگی در اروپای شرقی، خاورمیانه و آفریقای غربی آسیب رسانده‌اند.

۴. موقعیت، اهمیت و میراث فرهنگی و تمدنی غزه

۴-۱. موقعیت، اهمیت

غزه شهری در نوار غزه فلسطین و مرکز استان غزه است. این شهر که در ساحل مدیترانه، ۷۶۶ کیلومتری جنوب غربی اورشلیم واقع شده است، تنها بندر فلسطین را در خود جای داده است. با جمعیتی بالغ بر ۵۹۰'۴۸۱ نفر تا سال ۲۰۱۷، شهر غزه پرجمعیت‌ترین شهر فلسطین بود تا اینکه جنگ غزه باعث آوارگی بیشتر جمعیت آن شد (Gaza Strip, 1996 : 86). نام باستانی کنعانی غزه، «گراتو» بود، نامی که در متون مصری مربوط به قرن پانزدهم پیش از میلاد نیز آمده است. این شهر به عنوان شهر کنعان شناخته می‌شد و یکی از پنج شهر متحد در تورات بود و نام آن در افسانه‌های مذهبی مانند سامسون، جالوت و دلبله نیز ذکر شده است. نام این شهر همچنین در متون آشوری و در کتیبه‌های مائین یمن هم ذکر شده است. نام غزه در کتیبه‌های توت‌موس سوم (فرعون مصر در سال ۱۴۲۵-۱۴۸۱ قبل از میلاد) درج شده است. حدود ۲۷۰۰ سال بعد از آن، ابن بطوطه؛ جهان‌گرد معروف مراکشی که سفر شامات خود را پیش از رفتن به الخلیل از غزه آغاز کرد، در سفرنامه خود ضمن ستودن آبادانی این شهر و رونق بازارها و فراوانی مساجد و شکوه مسجد جامع آن نوشت: «غزه سرزمین بزرگی است که هیچ دیواری در اطراف آن وجود ندارد.» (ابن بطوطه، ج ۱، ۱۴۰۷ق: ۲۳۹).

غزه از دست‌کم سده پانزدهم پیش از میلاد مسکونی بوده است (Gaza Strip, 1996 : 87) و در طول تاریخ خود زیر فرمان مردمان و امپراتوری‌های گوناگون بوده است. فلیسطی‌ها پس از آنکه مصریان باستان نزدیک به ۳۵۰ سال بر آن فرمان رانده بودند، غزه را بخشی از پنج‌شهر خود کردند. در زمان امپراتوری روم، غزه آرامشی نسبی را تجربه کرد و بندر مدیترانه‌ای آن رونق گرفت. در سال ۶۳۵ میلادی، نخستین شهر در سرزمین فلسطین بود که به دست سپاه خلافت راشدین فتح شد و به‌سرعت به مرکز فقه اسلامی تبدیل گردید (علی، ج ۲، ۱۴۲۲ق: ۲۷۵).

این شهر یکی از مقاصد تجاری قریش پیش از اسلام بود که بازرگانان قریشی در رحله الشتاء خود (سوره ایلاف) بدان جا می‌رفتند. هاشم بن عبدمناف جد اعلای پیامبر خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که سادات و شرفا (بنو هاشم) بدو منسوبند در یکی از سفرهای تجاری قریش، در سن بیست یا بیست و پنج سالگی در همین شهر بیمار شد و جان خود را از دست داد و همانجا به خاک سپرده شد (یاقوت حموی، ج ۴، ۱۹۹۵م: ۲۰۲) به همین دلیل در متون عربی، غزه را، «غزه هاشم» هم می‌نامیده‌اند (حسینی حنبلی، ۱۴۳۰ق، ۲۱۹؛ احمد بن یحیی بن فضل الله، ج ۳، ۴۲۳ق، ۵۵۴) غزه در دوره اسلامی در زمان خلافت خلیفه اول به دست عمرو بن عاص و به احتمال قوی‌تر در زمان خلافت خلیفه دوم فتح شد و به سرعت به مرکز فقه اسلامی تبدیل گردید (آثار البلاد و اخبار البلاد، ص ۲۲۷). مهم‌ترین رویداد مربوط به دوره اسلامی در شهر غزه، ولادت محمد بن ادریس شافعی^۱ در سال ۱۵۰ ق. در این شهر است. محل ولادت او دست کم تا قرن دهم مشخص و محل زیارت مردم بوده است (ابوالیمن علیمی، ج ۲، ۱۴۲۰ق: ۱۳۶). شافعی در خردسالی از غزه به حجاز رفت و پس از بالیدن وارد بغداد شد ولی همواره دلتنگ زادگاه خود بود و این احساس فراق را در قالب این دو بیت به زیبایی به نظم کشیده است:

و أنى لمشتاق الی أرض غزه و إن خاننی بعد التفرق کتمانی (همانا من شور و آرزوی غزه دارم هر چند پس از جدایی، پوشاندن این شور و شوق با من همراهی نکرد و خود را نمایاند).
سقى الله أرضاً لو ظفرت بتربها کحلت به من شده الشوق أجفانی (خداوند این زمین را سیراب کند که اگر به خاک آن دست یابم از شدت آرزومندی، با آن خاک، پلک‌هایم را سرمه می‌کشم)
(یاقوت حموی، ج ۴، ۱۹۹۵م: ۲۰۲).

با این حال، تا هنگام برپایی دولت‌های صلیبی در ۱۰۹۹ میلادی، غزه به ویرانه‌ای بدل شده بود. در سده‌های بعد، غزه با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شد از یورش‌های مغول تا سیلاب‌های سنگین و هجوم دسته‌های ملخ و تا سده شانزدهم که در امپراتوری عثمانی ادغام شد، به روستایی فروکاسته

۱. معروف به امام شافعی، سومین امام از ائمه چهارگانه اهل سنت، بنیان‌گذار مذهب شافعی، فقیه، محدث، ادیب و شاعر عرب است. وی از طبقه چهارم فقیهان تابعی مکه به شمار می‌رود و به دلیل عشق و ارادت فراوان به اهل بیت پیامبر (ص) و امام علی (ع) و سرودن اشعار فراوان در مدح آنان شهرت دارد

بود. در نیمه نخست فرمانروایی عثمانیان، دودمان رضوان بر غزه حکم می‌راند و شهر روزگاری از بازرگانی پررونق و آرامش را پشت سر گذاشت. شهرداری غزه در سال ۱۸۹۳ تأسیس شد. شهر غزه در جریان جنگ جهانی اول به دست نیروهای بریتانیایی افتاد و به بخشی از فلسطین تحت قیمومت بریتانیا تبدیل شد. در پی جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۴۸، مصر اداره سرزمین تازه تشکیل نوار غزه را بر عهده گرفت و بهبودهای متعددی در شهر انجام شد (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). جمعیت آن پس از ورود آوارگان فلسطینی رانده شده بر اثر جنگ و نکبت پشین، به تندی افزایش یافت. غزه در جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمد و در ۱۹۹۳ به تشکیلات خودگردان فلسطین واگذار شد. در ماه‌های پس از انتخابات ۲۰۰۶، درگیری مسلحانه‌ای میان جناح‌های سیاسی فلسطینی فتح و حماس در گرفت که منجر به قدرت گرفتن حماس در غزه شد. پس از آن، نوار غزه در معرض محاصره‌ای به رهبری اسرائیل و با پشتیبانی مصر قرار گرفت. اسرائیل در ژوئن ۲۰۱۰ با اجازه ورود کالاهای مصرفی از سخت‌گیری محاصره کاست و مصر در ۲۰۱۱ گذرگاه رفح را برای عبور عابران پیاده گشود. اکثریت ساکنان فلسطینی غزه مسلمان‌اند، هرچند اقلیتی مسیحی نیز وجود دارد. ساختار جمعیتی شهر بسیار جوان است و حدود ۷۵ درصد جمعیت زیر ۲۵ سال دارند. تا سپتامبر ۲۰۲۵، بسیاری از ساکنان یا گریخته یا به جنوب نوار غزه تخلیه شده‌اند، یا در نتیجه اقدامات اسرائیل در شمال کشته شده‌اند. از این رو، آمارها یا برآوردهای جمعیت قبلی منسوخ شده‌اند.

همچنین بسیاری از میدان‌ها گاز و نفت منطقه در زیر غزه قرار دارند. در ۱۹۹۹، ذخایر گاز طبیعی در آب‌های ساحلی این سرزمین کشف شد که به «غزه مارین» شناخته می‌شود. برآورد می‌شود که این میدان ۱ تریلیون فوت مکعب (۲۸ میلیارد مترمکعب) گاز طبیعی داشته باشد و بخشی از حوضه شام باشد که خود ۱۲۲ تریلیون فوت مکعب (۳٫۵ تریلیون مترمکعب) گاز طبیعی را در بر می‌گیرد. تعداد زیادی از مردم غزه بر این باور بودند که ذخایر نفت و گاز غزه علت حمله اسرائیل به این سرزمین است؛ حمله‌ای که گاهی به‌عنوان کارزاری بالقوه «نسل‌کشانه» توصیف می‌شود (UN Trade and Development, 2019).

۴-۲. میراث فرهنگی و تمدنی

شهر غزه و حومه آن به خودی خود یک موزه تاریخی و تابلویی از میراث گرانبهای تاریخی در طول دوران گذشته است. غزه از مهمترین شهرهای جهان است که از بیشترین میراث تاریخی و آثار باستانی برخوردار می باشد. بنا به آنچه که در کتاب «آثار باستانی غزه و جنگ تاریخ» تألیف حسام ابوالنصر مؤرخ فلسطینی آمده است از جمله این آثار می توان به آثاری چون کتابخانه و مسجد جامع العمری، مسجد جامع ابن عثمان، مسجد جامع علی بن مروان، مسجد جامع دادگاه البردبکیه (مدرسه امیر بردبک الدوادار)، مسجد جامع کاتب الولایه، مسجد سید هاشم (بارگاه حضرت هاشم بن مناف)، مسجد ظفر دمری، مسجد جامع شیخ زکریا، مسجد سیده رقیه، مسجد المنطار، کلیسای روم ارتدوکس، کلیسای بیزانس، کلیسای سن پورفیریوس، کاخ پاشا (قلعه ناپلئون)، صومعه هیلاریوس یا تل ام عامر، خانه تاریخی السقا، بیت الغصین، بنای الاحمدیه، دانشگاه الاسرا و موزه ملی، موزه عقاد، موزه دیر البلیح، مدرسه کمالیه، بازار قیساریه یا بازار طلای غزه، حمام السمره، تپه العجول، تل المنطار و چشمه سلطان عبدالحمید (چشمه الرفاعیه) اشاره کرد (ابوالنصر، ۲۰۲۴: ۲۲۴-۲۳۶).

۵. رژیم صهیونیستی و تخریب میراث فرهنگی غزه: اهداف و پیامدها

رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۱ که از یونسکو خارج شد تمام تعهدات خود به این سازمان فرهنگی وابسته به سازمان ملل را که مهمترین وظیفه آن پاسداری از میراث جهانی بشر است زیر پا گذاشته است.^۱ همین موضوع موجب شد در جنگ غزه، آثار و محوطه‌های تاریخی این باریکه در سرزمین‌های اشغالی نابود شود و هشدارهای یونسکو برای جلوگیری از حملات متعدد صهیونیست‌ها به آثار تاریخی غزه نیز نادیده گرفته شود.

به رغم سرقت و چپاول میراث باستانی فلسطینی‌ها از سال‌ها قبل، اسرائیل از سال ۲۰۲۴ و به‌طور مشخص از هفتم اکتبر و شروع عملیات طوفان الاقصی در تلاش برای محو آثار باستانی

۱. در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۱ (۹ آبان ۱۳۹۰) اعضای یونسکو به اتفاق به عضویت کامل فلسطین در این نهاد جهانی سازمان ملل متحد رأی دادند که این اتفاق خشم آمریکا و رژیم صهیونیستی را برانگیخت و جرقه‌ای برای آغاز اختلافات اساسی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها با این نهاد شد. رژیم صهیونیستی مدعی است که یونسکو رویکردی ضد یهودی دارد و تلاش می‌کند دیدگاه ضدیت با «اسرائیل» را در جهان گسترش دهد.

فلسطین بوده است. این آثار از جمله بازارها، مسافرخانه‌ها، حمام‌های عمومی، زوایای صوفیان، مقبره‌های کهن، مساجد و کلیساها و مراکز فرهنگی‌اند که تجسمی از زندگی ریشه‌دار و اصیل مردم فلسطین در عصور ایوبی، مملوکی، عثمانی و... و بخشی از سیر تمدن اسلامی در نوار غزه به شمار می‌روند. این رژیم، خانه‌های قدیمی را در اولویت اهداف شلیک خود قرار می‌دهد. این حرکت کینه‌توزانه، صراحتاً با قوانین بین‌المللی چنانکه در صفحات قبل به آنها اشاره شد از جمله ماده ۲۷ بند چهارم مقررات لاهه ۱۹۰۷ و ماده ۵۶ آن، پروتکل الحاقی کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۷۷، ماده ۵۳ پروتکل یک و ماده ۱۶ پروتکل دوم مغایر است و جزو جنایات جنگی به شمار می‌رود؛ براساس این قوانین، ویران‌کردن ساختمان‌های دینی و عبادی، هنری، مؤسسات علوم، امور خیریه و آثار تاریخی در شرایط جنگی ممنوع است.

گزارش‌های رسمی نشان می‌دهند که بیش از ۳۱۶ سایت باستان‌شناسی و ساختمان تاریخی - فرهنگی از جمله مساجد، کلیساها، موزه‌ها در نوار غزه که از دوران اسلامی اولیه، مملوک، عثمانی و بیزانسی به جا مانده بودند، به طور کامل یا جزئی تخریب شده‌اند و نیز بیش از ۲۰،۰۰۰ اثر تاریخی نادر از دوران ماقبل تاریخ تا دوره عثمانی یا غارت شده‌اند یا ناپدید شده‌اند (خبرگزاری آنا، ۲۷ / ۰۸ / ۱۴۰۴). این تخریب سازمان یافته، نقض آشکار کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه درباره حفاظت از اموال فرهنگی در زمان جنگ است که ۱۳۵ کشور از جمله اسرائیل به آن پایبند هستند.

بر اساس ارزیابی‌های یونسکو، که به دلیل شرایط جنگ به صورت دوردست و از طریق تصاویر ماهواره‌ای انجام شده، بیش از ۲۰۰ مکان باستانی از مجموع ۳۷۵ سایت شناخته شده در غزه دچار آسیب شده‌اند. این در حالی است که شمار قابل توجهی از هنرمندان، نویسندگان و فعالان فرهنگی فلسطینی نیز در بمباران‌ها و حملات ارتش اسرائیل جان خود را از دست داده‌اند؛ تنها بین اکتبر ۲۰۲۳ تا فوریه ۲۰۲۴، دست‌کم ۴۱ هنرمند و فعال فرهنگی شهید شده‌اند (خبرگزاری ابنا، ۱۴۰۴/۳/۱).

۵-۱. اهداف

یکم) جنگ نسل‌کشی «اسرائیل» نه تنها شامل کشتار هزاران غیرنظامی و تخریب منازلشان است، بلکه به‌طور عمده‌ی سایت‌های تاریخی، مذهبی و فرهنگی غزه را هدف قرار می‌دهد. این اقدامات بخشی از استراتژی استعمارگری و پاک‌سازی فرهنگی است که هدف آن محو نمادهای

مادی و معنوی مردم فلسطین و تخریب حافظه جمعی جامعه است. بنا به گفته عمار علی حسن استاد علوم سیاسی دانشگاه قاهره مصر این تخریب‌ها هدفی فراتر از نابودی مکان‌های تاریخی دارند: حذف میراث فرهنگی عربی، به‌ویژه معماری و بناهای قدیمی که در قلب این میراث قرار دارند. هدف این است که تاریخ را محو کنند و تفاوت‌های فرهنگی را میان اسرائیلی‌ها و اعراب از میان ببرند. در این مسیر، «اسرائیل» تلاش می‌کند تاریخ مادی ملت‌های عربی را از آن‌ها بگیرد (علی حسن، ۲۰۲۵: ۱).

دوم) هدف از غارت آثار باستانی فلسطینیان از یکسو و تخریب نظام‌مند میراث فرهنگی و تمدن فلسطینیان از سوی دیگر، محو هویت ملی و فرهنگی فلسطین، تحمیل جابه‌جایی اجباری دائمی، جلوگیری از بازگشت، از بین بردن جوامع و از بین بردن حافظه جمعی آنهاست. این تلاشی عمدی برای از بین بردن وجود فیزیکی و انسانی آنها و در عین حال تخریب گذشته، حال و آینده آنهاست. در بیانی دقیق‌تر این اقدامات با هدف اعمال کنترل اسرائیل بر اماکن باستانی و هویت فلسطینی آن، به عنوان بخشی از یک پروژه سیاسی بلندمدت برای یهودی‌سازی این مناطق اشغالی و تغییر ویژگی‌های آن انجام می‌شود. در سال‌های اخیر و با دور شدن از سال‌های اشغال فلسطین و آمدن نسل‌های جدید، صهیونیست‌ها و تاریخ‌نگاران طرفدار آنها به مردم جهان چنین القا می‌کنند که پیش از تشکیل دولت اسرائیل، نام فلسطین وجود خارجی نداشته و مورد استفاده قرار نمی‌گرفته است، در صورتی که اسناد تاریخی دروغ آن‌ها را نشان می‌دهد (دارابی، ۱۴۰۲).

سوم) اقدام‌های رژیم صهیونیستی با سیاست گسترده‌تری از «خاک‌گشتی» مطابقت دارد که در آن تخریب نه تنها افراد و دارایی‌های فلسطینی، بلکه محو وجود فرهنگی و تمدنی آنها را هدف قرار می‌دهد. هدف از بین بردن هرگونه اثر مادی یا تاریخی است که فلسطینیان را به سرزمینشان متصل می‌کند و در نتیجه توانایی آنها برای ماندن و بقا در مناطق اجدادی خود را تضعیف می‌کند. وزیران کابینه رژیم صهیونیستی، مقام‌ها، اعضای کنست و سازمان‌های شهرک‌نشین آشکارا این اقدام‌ها را به‌عنوان بخشی از تلاش برای تحمیل یک واقعیت جمعیتی و جغرافیایی جدید (جایگزینی جمعیت بومی فلسطین با شهرک‌نشینان صهیونیست) ترویج می‌کنند.

۲-۵. پیامد

حمله به میراث فرهنگی و باستانی غزه یک حمله هماهنگ به موجودیت فلسطین و مردم آن است. فراتر از ایجاد فراموشی فرهنگی در مورد معنای فلسطینی بودن، تخریب میراث نمادی از نفی تاریخ غزه و بطور کلی فلسطین و حق بر زمین مردم آن است. محو کردن حافظه فلسطینی توسط اسرائیل عمدی است. بر اساس تعریفی که رافائل لمکین، حقوقدان لهستانی یهودی تبار که در سال ۱۹۴۴ واژه «نسل کشی» را ابداع کرد، این یک استراتژی نسل کشی است (Lemkin 2008:79-95). فی الواقع این تلاش برای از بین بردن پیوندهای فیزیکی بین فلسطینی‌ها و میراث آنها با هدف محو حضور فلسطین و مشروعیت بخشیدن به آن است.

در بیانی دقیق تر کشتار فرهنگی و تمدنی غزه و فلسطین بطور کلی، فراتر از تخریب بناها و اشیای تاریخی است؛ این یک «جنایت فرهنگی» یا «فرهنگ کشی» است که پیامد آن نابودی هویت، حافظه و روح یک ملت است. سنت‌ها، زبان، موسیقی، هنرهای تجسمی و آثار مکتوب در حال غرق شدن در ویرانه‌های این جنگ نابرابراند. قاطعانه باید گفت که از دست دادن این میراث، آسیب روانی جبران‌ناپذیری به جامعه فلسطینی وارد می‌کند و نشان‌دهنده اراده‌ای آشکار برای حذف این ملت از تاریخ و جغرافیای فرهنگی جهان است.

نتیجه گیری

نوار غزه از قدیمی‌ترین مکان‌های زیستی، فرهنگی و تمدنی جهان بشمار می‌آید؛ باریکه‌ای کوچک با سابقه‌ای ۵۰۰۰ ساله که تاریخ‌نگاران و دیرینه‌شناسان از آن به‌عنوان یکی از ۱۵ سرزمینی یاد می‌کنند که «مهد بشریت» را تشکیل می‌دهد. موقعیت سوق‌الجیشی این باریکه که مهم‌ترین ویژگی‌اش اتصال آفریقا و آسیا به یکدیگر بود، باعث شد تا غزه از زمانی که توسط کنعانی‌ها تاسیس شد تاکنون همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگی نظیر فرعون‌ها، فنیقی‌ها، فلسطینی‌ها، کنعانی‌ها، آشوری‌ها، مغول‌ها، بیزانس، ایرانی‌ها، اسکندر و رومی‌ها و عثمانی‌ها باشد و تمدن‌های متعدد از دوره فراعنه مصر تا فنیقیه، فلسطینی‌ها، کنعانی‌ها، آشوری‌ها و مغول‌ها تا عصر بیزانس و اسکندر و روم تا عثمانی در آن شکل گیرد. ماحصل حضور این تمدن‌ها، نوار غزه را از منظر آثار تمدنی و باستانی یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان می‌کند و اطلاق این تعریف برای منطقه

1. Cultural Crime
2. Culturicide

کوچک غزه فقط یک معنا دارد و آن این‌که رژیم صهیونیستی یک کشور غاصب است. صهیونیست‌ها برای پاک کردن این لکه ننگ سال‌هاست در فکر نابودی فرهنگ، تمدن و میراث تمدنی فلسطین و غزه بوده‌اند و گاهی نیز به بهانه‌های مختلف ضرباتی بر آن زده‌اند اما حالا بهترین فرصتی است که در میان بمباران‌های به ظاهر بی‌هدف خود که نگاه افکار عمومی را از آن منحرف کرده، در حقیقت هدف بزرگ‌تری به نام اضمحلال تمدنی این جغرافیا را دنبال می‌کنند. این رژیم برای ضربه زدن به میراث تاریخی و فرهنگی ملت فلسطین در نوار غزه که پر از آثار تاریخی و فرهنگی ارزشمند است در قالب پلان مدیریتی این رژیم برای از میان بردن هویت اصیل فلسطینیان است که از بیش از هفت دهه پیش، آغاز شده است.

در پایان باید دانست که:

اولاً حمله به آثار تاریخی و فرهنگی کشورها طبق قوانین و معاهدات بین‌المللی جنایت جنگی محسوب می‌شود. مطابق این قوانین و کنوانسیون‌ها برای حفاظت از اموال فرهنگی در زمان درگیری مسلحانه که سنگ بنای حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ است، اموال فرهنگی و تاریخی نباید هدف حمله طرف‌های جنگ قرار بگیرند. همچنین طبق پروتکل‌های این کنوانسیون‌ها حملات به اموال فرهنگی تحت حفاظت ویژه، به عنوان جنایت جنگی تلقی و برای عاملان آن مجازات‌هایی در نظر گرفته می‌شود.

ثانیاً میراث فلسطین و غزه نه تنها متعلق به فلسطینیان بلکه متعلق به تمام بشریت است. این مکان‌ها دارای اهمیت فرهنگی و تاریخی هستند که از مرزهای ملی فراتر رفته و یک حافظه مشترک جهانی را نشان می‌دهند. لذا جامعه بین‌الملل باید به‌طور فوری برای محافظت از این سایت‌ها، انجام تحقیقات بی‌طرفانه درمورد نقض‌های انجام‌شده از سوی رژیم صهیونیستی، و فشار بر این رژیم برای توقف تخریب‌های نظام‌مند خود اقدام کند.

فهرست منابع

- ابن فضل الله، احمد بن يحيى (١٤٢٣ق). مسالك الابصار في ممالك الامصار، الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ٢٧، أبو ظبي: المجمع الثقافي.
- ابن بطوطه (١٤٠٧ق). رحلة ابن بطوطه، چاپ بيروت: محمد عبدالمنعم عريان.
- ابو النصر، حسام (٢٠٢٤). آثار غزه و حرب التاريخ، عمان، دار الفينيق للنشر.
- ابواليمن عليمي، عبدالرحمن بن محمد (١٤٢٠ق). الانس الجليل بتاريخ القدس و الخليل، ٢ جلد، عمان، مكتبة دنديس.
- حسيني حنبلي، عبدالرحمن بن ابراهيم (١٤٣٠ق). قلائد الاجياد فيما اتفق في التسميه من البقاع و البلاد، وليد عبدالله منيس (محقق)، كويت: مركز البحوث و الدراسات الكويتية.
- حق سرشت، ميشم و آرش پور، عليرضا (١٣٩٨). فلسطين، يونسكو و صيانت از ميراث فرهنگي در برابر نابودي از منظر حقوق بين الملل، مطالعات حقوق عمومي، ٤٩ (٣)، ٩١٩-٩٤٠.
- حموي، ياقوت (١٩٩٥م). معجم البلدان، عدد الأجزاء: ٧، الناشر: بيروت: دار صادر.
- خبرگزاری ابنا (١٤٠٤). كشتار فرهنگي فلسطين؛ نابودي هويت و تاريخ در ميان ويرانه هاي جنگ ، خبرگزاری ابنا، كد خبر: ١٦٩١٦٠٤، اول خرداد ماه، مندرج در <https://fa.abna24.com/news/1691604/>
- خبرگزاری آنا (١٤٠٤). تخریب گسترده ميراث فرهنگي غزه/ بيش از ٢٠٠٠٠ اثر تاريخي ناپديد شده اند، خبرگزاری آنا، كد خبر: ١٠١٢٧٦٦، ٢٧ آبان ماه، مندرج در <https://ana.ir/fa/news/1012766/>
- خسروي، حسن و سلطان قيس، فريد (١٣٩٦). حمايت از اموال فرهنگي و تاريخي در حقوق بين الملل با نگاهی بر اقدام ديوان بين المللي كيفري در قضيه كشور مالي، مطالعات ميان فرهنگي، ١٢ (٣٣)، ١٦٥-١٩
- دارابی، علي (١٤٠٢). اسناد تاريخي نشان دهنده حقانيت فلسطينيان است/ مدارك تاريخي رسواکننده صهيونيست ها، خبرگزاری ایرنا، ٢٥ آذرماه، كد خبر: ٨٥٣٢٣٧٨٦، مندرج در <https://www.irna.ir/news/85323786/>
- سلطان قيس، فريد و رضوي، سلمان (١٤٠٣). نسل كشي انساني و فرهنگي در فلسطين اشغالي، تهران: نشر معاونت برون مرزي صدا و سيما.

- صمدی، یونس (۱۳۷۷). نگاهی به کنواز سیون ۱۹۵۴ لاهه در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ، اثر، ۱۵ (۲۹ و ۳۰)، ۱۴۵-۱۳۶.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۲). حقوق جنگ (حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه)، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- علی حسن، عمار (۲۰۲۵). هدف غیرعلنی ارتش رژیم صهیونیستی، مرکز اطلاع رسانی فلسطین، سه‌شنبه ۷ ژانویه، مندرج در https://farsi.palinfo.com/opinion_articles
- علی، جواد (۱۴۲۲ق)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۲، بیروت، دارالساقی.
- فکرآزاد، سیده آزاده و معتمد، محمدرضا (۱۳۹۵). پیامدهای جنگ و تروریسم برای میراث فرهنگی خاورمیانه (سوریه و عراق)، تهران: کنفرانس بین المللی گردشگری، جغرافیا و باستان.
- قاسمی، غلامعلی و باقرزاده، سجاد (۱۳۹۲). حقوق بشر دوستانه و حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی، مطالعات بین المللی پلیس، ۴ (۱۳)، ۳۸-۱۱.
- موسوی، سید صمد (۱۳۸۷). جنایت غزه، عوامل و ریشه‌ها، مبلغان، ۱۰ (۱۱۲)، ۹۶-۸۶.
- نژندی منش، هیبت الله و الیاسی قهفرخی، زهرا (۱۳۹۵). حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، تهران: انتشارات خرسندی.
- وکیل، امیر ساعد و قشلاقی نیگجه، افشین (۱۴۰۰). حمایت از میراث فرهنگی جهانی در رویه دیوان بین‌المللی کیفری، دیدگاه های حقوق قضایی، ۲۴ (۹۴)، ۱۳۶-۱۱۶.
- Al-Houdalieh, Salah Hussein (2024). "The Failure to Protect Palestinian Cultural Heritage", 6 JUN Sapiens– Anthropology Magazine, <https://www.sapiens.org/cultural-h...>
- Bonnici, Joseph; Cassar, Michael (1990). The Royal Opera House – Malta. Gutenberg Press.
- Broker, J.D (1974). "The Brussels International Declaration of 1874 concerning the Laws and Customs of War", International Review of the Red Cross, Volume 14 Issue 164 - D. B.
- Gaza (Gaza Strip). International Dictionary of Historic Places. Vol. 4. Fitzroy Dearborn Publishers. 1996. pp. 87–290.
- Keen, M. (1995). "Richard II's Ordinances of War of 1385". In Archer, R. E.; Walker, S. (Eds.). Rulers and Ruled in Late Medieval England: Essays Presented to Gerald Harriss. London: Hambledon Press. pp. 33–48. ISBN 978-1-85285-133-0.

- Lemkin Raphael (2008). Axis Rule in Occupied Europe: Laws of Occupation, Analysis of Government, Proposals for Redress (Foundations of the Laws of War) Paperback, Publisher Lawbook Exchange, Ltd.
- Taha, Hamdan (2024). "Destruction of Cultural Heritage in Gaza", Jerusalem Quarterly, March, pp 45-70.
- Tastan, Necva (2024), " 'Erasure of history': Israel's 'cultural genocide' decimates Gaza's archaeological treasures", 21.02.2024 - Update: 22.02.2024 <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/>
- UN Trade and Development (2019). "The Unrealized Potential of Palestinian Oil and Gas Reserves", UN Trade and Development, 28 August 2019.
- Willis, Kenneth G. (2014). "The Use of Stated Preference Methods to Value Cultural Heritage", Handbook of the Economics of Art and Culture, vol. 2, Elsevier, pp. 145–181, doi:10.1016/b978-0-444-53776-8.00007-6, ISBN 978-0-444-53776-8